



## از خانه تا کارخانه از دانشگاه و خیابان تا زندان سنگر مقاومت علیه رژیم گسترده است!

پادداشت  
صادق کار



در چهلمین روز کشتار بربرمنشانه جوانان سلحشور و آزادیخواه، ایران یک پارچه اعتراض و مقاومت علیه جنایتکاران حاکم شد. در همه جا پرچم مقاومت مبارزان مصمم برای خلع قدرت نامشروع حاکمان فاسد و ناکارآمد و ارازل و اوباشان جیره خوارانشان برافراشته است.

از خانه تا کارخانه، از کارخانه تا خیابان و مدارس و دانشگاه ها و تا زندانها و شکنجه خانه ها سنگرها گسترده شده‌اند. همه جا فریاد حق خواهی بلند است. ترس مردم از سرکوب از میان رفته و ترس از دست دادن قدرت از میان مردم به درون حکومت منتقل شده است. ترس در میان سرگردگان رژیم آشکارتر از آن است که از چشم مردم بتوانند پنهانش کنند. در میان بخشهایی از هواداران رژیم غوغای برپاست. عده‌ای از آنها به افشای جنایات رهبر و دیگر سردمداران حکومت روی آورده‌اند و در حال جدا کردن حساب خود از حکومت برآمده‌اند. دسته‌ای دیگر مشغول نصیحت رژیم به تغییر رویه در مقابل مردم هستند، عده دیگری بر طبل سرکوب می کوبند و در خیابان ها و زندانها مشغول کشتار و شکنجه مبارزان در بند هستند. با این همه مقاومت و مبارزات مردم همچنان ادامه دارد و در حال دامن گرفتن است و اتوریتته خامنه‌ای حتما در میان لایحه هایی از رژیم از بین رفته و کمتر کسی را در میان حکومتی ها می توان سراغ گرفت که آشکارا از مواضع جنون آمیز وی حمایت کند. برعکس حملات به وی بدون نام بردن از او در میان وابستگان به حکومت روز افزون است. تنها بخشی از سرداران ماجراجوی سپاه و روحانیت سراپا آلوده به فساد، امثال مصباح یزدی و جنتی هستند که هنوز بطور علنی از جنایات او و سرکوب مردم حمایت می کنند.

امروز با وجود اینکه همه دستگاه سرکوب برای جلوگیری از برگزاری مراسم چهلمین روز جان باختگان راه آزادی میهن بسیج شده بودند، مردم روز جانباختگان خیزش تحول ساز آبان را با شرکت در مراسم مختلف با شعار برگزار کردند. شعار مرگ بر دیکتاتور امروز بار دیگر در کشور طنین انداز شد و مردم پیام اعتراضات شان را بدین گونه بگوش خامنه‌ای و مزدوران اش رساندند.

در برخی شهرها مانند اصفهان با وجود فرق خیابانها توسط ماموران امنیتی، مغازه داران مغازه هایشان را تعطیل کردند، در سنج و تعداد دیگری از شهرهای کردستان حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کردند. در زندان ۸ تن از زنان دلیر و مبارز از جمله نرگس محمدی که سابقه درخشانی در مبارزات سالهای اخیر دارند به دلیل برپایی اعتصاب اعتراضی نسبت به کشتار جوانان مبارز جان باخته و اعلام همبستگی با خانواده های آنها در زندان برای شکستن اعتصاب شان تحت فشار شدید زندانبانان قرار گرفتند. خانم نرگس محمدی یکی از مبارزان سرشناس و دلیر که مقاومت اش در زندان ها مورد تحسین مردم است، برای در هم شکستن اعتصاب زنان مبارز زندانی، توسط رئیس زندان مضروب و به زندان زنجان منتقل شد. ماموران اطلاعات سپاه برای جلوگیری از انجام مراسم خانواده پویا بختیاری، در گورستان بی بی سکینه ی کرج از آوردن هیلی کوپتر برای سرکوب هم



کوتاهی نکردند. در شوش کارگران مبارز و عدالتخواه هفت تپه که سالهاست خود تحت سرکوب شدید قرار دارند، بار دیگر مراتب همبستگی شان با خانواده های جانبختگان در ۵ دی را با صدور اعلامیه ای اعلام نمودند. ۹ تشکل صنفی کارگری در دوم دی ماه نیز اقدام مشابهی نمودند. در طول ۴۰ روز گذشته دهها تشکل سندیکایی، مدنی و فرهنگی مختلف نیز با صدور بیانیه های اعتراضی کشتار جنایتکارانه مردم به فرمان خامنه ای و هم دستی روحانی با این جنایت را محکوم و با خانواده های جانبختگان اعلام همدردی و همبستگی کرده اند.

شکست حکومت برای جلوگیری از اعتراضات مردمی در چهلمین روز عزیز داشت یاد جانبختگان با وجود مسدود کردن اینترنت، سانسور رسانه ها و گسیل هزاران مامور سرکوب و انواع تهدیدات، نشان داد که این بار برخلاف دفعات گذشته خیزش مردم را با هیچ وسیله ای نمی توان شکست داد. افزایش کشته شدن ۱۵۰۰ نفر از مردم به فرمان خامنه ای چنان موجی از خشم و نفرت از وی و دیگر سردمداران حکومت در میان مردم بوجود آورد که در تصور آنها نمی گنجید. افزایش ابعاد این جنایت در آستانه چهلمین روز جانبختگان راه آزادی و عدالت بجای اینکه موجب ترس و خانه نشین شدن مردم و خانواده های جان باختگان گردد محرکی شد جهت طغیان مردم خشمگین و روانه شدن آنها بسوی محلهای برگزاری مراسم در شهرهای مختلف کشور. امروز گروهی از هنرمندان و فرهیختگان جامعه که قبلا نیز با صدور بیانیه های مشترک به کشتار مردم بی سلاح و حق طلب اعتراض نموده بودند، گام دیگری به پیش نهادند و بی مهابا از پیامدهای آن در برخی مراسم ها که به دعوت خانواده های جان باختگان برگزار شد شرکت نمودند. حالا دیگر با اطمینان می توان گفت اعتراضات از لحاظ اجتماعی طی همین ۴۰ روز با سرعت شگرفی گسترش پیدا نموده. اینک کارگر و معلم، دانشجو و هنرمند، نویسنده و وکیل و دانش آموز، بیکار و شاغل، مرکز نشین و حاشیه نشین، دوش به دوش هم علیه حکومت فاسد و جنایتکار وارد کارزاری جانانه شده اند. همه ابعاد اعتراضات امروز به دلیل قطع اینترنت و سانسور شدید رسانه های داخل کشور گزارش نشده است، با این همه از گزارشات تاکنونی که به بیرون درز کرده اند مشخص می شود که ابعاد اعتراضات گسترده، مقاومت تظاهر کنندگان استوارتر از گذشته و شکست و نا امیدی در میان عامران و عاملان سرکوب بسی بیشتر شده است. تردیدی نباید داشت که تفرقه در میان جریانات حکومتی در اثر همایش های دلیرانه امروز مردم بیشتر خواهد شد. امروز نیز شمار زیادی از مردم شرکت کننده در اجتماعات اعتراضی بازداشت شدند، با این حال این بازداشتها نیز مردم را از ادامه خیزش به اشکال متنوع باز نخواهد داشت. خیابان را بفرس اینک با زور اسلحه از مردم بگیرند، مردم راه های مناسب دیگری را برای ادامه اعتراضات شان پیدا خواهند کرد. رژیم که دیگر نه مشروعیت مردمی و نه حتا مشروعیت دینی دارد و فساد و ناکارآمدی بر آن چیره شده دیگر جز سرکوب که آن هم بواسطه فقدان مالی در معرض دست رفتن قرار دارد، نمی تواند مدت زیادی در مقابل مردم مبارز به جان آمده مقاومت کند.



**خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!**



## تاریخ شگفت انگیز نئولیبرالیسم - بخش دوم

پتر ویم زایدهوف

ماهی لغزنده نئولیبرالیسم



بهمن ۲۰۱۶، دسامبر ۲۰۱۶: تظاهرات ضد نئولیبرالیسم، با حضور اووه مودرس

دلیل مقدم بر ضرورت تدقیق روایت مرسوم از نئولیبرالیسم یک دلیل بسیار کلی است: به این دلیل که بتوان به این سؤال مرکزی پاسخ گفت که "نئولیبرالیسم دقیقاً یعنی چه؟" چنان که پیشتر دیدیم، غالباً نئولیبرالیسم به عنوان آمیزه ای نامرتبط از ایدئولوژیها و ایده های سیاسی تلقی می شده است. اما آیا در پس این آمیزه یک پروژه سیاسی وجود داشته که آن ایده های سیاسی را به هم مرتبط کند؟ رابطه بین پول سروری، اقتصاد عرضه محور، اصلاحات انجام شده در "اجماع واشنگتن" و سه گانه مقررات زدائی، لیبرالیزه کردن بازار و خصوصی سازی دقیقاً چیست؟ با تلنبار کردن همه اینها بر روی هم نئولیبرالیسم به یک تئوری همه کاره هیچکاره، و به چوبی تبدیل می شود که می توان با آن همه کس را تنبیه کرد. مخرج مشترک این سیاستهای اقتصادی گوناگون این است که همگی شان طرفدار بازار بیشتر و دولت کمتر اند. اما این مخرج مشترک محدود به نئولیبرالها نیست. در این ارتباط در بسیاری مواقع از ترم "بنیادگرایی بازار" نیز استفاده می شود؛ از جمله می توان از جرج سوروس سرمایه دار و جوزف استیگلیس - اقتصاددان سرشناس، مدیر اسبق بانک جهانی و برنده جایزه نوبل در اقتصاد - نام برد. اما چه چیز بنیادگرایانه ای در نئولیبرالیسم وجود دارد که سزاوار این نسبت است؟ بسیاری از سؤالاتی که در این جا در این ارتباط مطرح می شوند در صدد دستیابی به این نکته مرکزی اند که بنیادگرایی منتسب به نئولیبرالیسم از چه چیز تشکیل شده است.

مسئله دومی که تاریخ نگاری نئولیبرالیسم را آرام نمی گذارد، این است که اگرچه نئولیبرالیسم به عنوان یکی از مهمترین گفتمانهای سیاسی - اقتصادی زمان ما معرفی می شود، اما هیچکس خود را آشکارا با آن تعریف نمی کند. هیچ فردی، گروهی یا سازمانی وجود ندارد که خود را مبلغ نئولیبرالیسم اعلام کند. برعکس مکاتبی چون لیبرالیسم یا کمونیسم، هیچ مانیفست، دستگاه فلسفی، یا بنیانگذار خودفرموده برای نئولیبرالیسم وجود ندارد. هایدک و فریدمن، بنیانگذاران "مفروض" نئولیبرالیسم هرگز خودشان را نئولیبرال توصیف نکرده اند. هایدک فقط یک بار به نئولیبرالیسم استناد می کند، اما این کلمه را در گیومه می گذارد و غرض اش ترسیم موضع دیگران است. شرح ایضاً در مورد فریدمن. او نیز فقط یک بار این ترم را به کار می برد، آن هم در مقاله کمتر شناخته شده ای به نام "نئولیبرالیسم و چشم اندازهای آن". فریدمن این مقاله را در اوائل مجرای شغلی اش برای نشریه کارفرمایان روزی *فارمند* نوشته بوده است. همچنین پیشقراولان شناخته شده نئولیبرالیسم در عرصه سیاست، یعنی مارگارت تاچر و رونالد ریگان، برای توصیف خود یا سیاست شان از این ترم استفاده نکردند. جالب است که اندیشکده های نامبرده نیز خودشان را به انواع و اقسام مدارج و تعلقات سیاسی ممکن متصف کرده اند، الا به نئولیبرالیسم. سازمانهای بین المللی مثل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که عموماً با پیشبرد سیاستهای نئولیبرالی مرتبط می شوند، خودشان هرگز این ارتباط را برقرار نکرده اند و نخواهند کرد. یقین است که در سالهای طلایی نئولیبرالیسم، یعنی از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱، کلمه نئولیبرالیسم در مهمترین رسانه های اقتصادی مثل *اکنومیست* و *تایمز مالی* عملاً استفاده نشده است. در ادبیات علمی مربوط به اقتصاد نیز این کلمه حتی یک بار به کار نرفته است، گوئیا نئولیبرالیسم جهان را تسخیر کرده است بی آن که خود اصلاً به این عنوان فدعالم کرده باشد.

بنابراین نئولیبرالیسم خود را به عنوان پروژه سیاسی شگفت انگیزی عرضه می کند، که کاری هم به روال مرسوم سایر ایدئولوژیها برای در آمدن به جامعه سیاسی ندارد. از این رو روایت مرسوم از نئولیبرالیسم روایت بسیار ساده و یک بعدی از تاریخ آن است. بنابراین تاریخ بدیلی برای نئولیبرالیسم لازم است که بتواند توضیح دهد این پروژه نام خود را از کجا گرفته است.



این ترم از کجا آمده است، چه چیز موجب رواج آن و پایداری آن شده و چه درکی باید از آن داشت؟ این تاریخنگاری مفهومی باید از این جا، با این مواجهه، آغاز کند که کلمه نئولیبرالیسم در واقع فقط توسط مخالفان آن و به عنوان کلمه ای سرزنش آمیز به کار برده می شود. بواس Boas و گانس-مورس Gans-Morse در تحقیق جالبی در باره کاربرد این کلمه خاصه در مطالعات مربوط به توسعه و مطالعات امریکای لاتین، نشان داده اند که حتی از آن محدودتر، کلمه نئولیبرالیسم فقط توسط مخالفان سیاست بازار آزاد به کار برده می شود. نامبردگان در ادامه کوشش شان برای تدوین یک تاریخ بدیل برای نئولیبرالیسم نشان می دهند که محتوای این کلمه به مرور زمان دستخوش تغییر مهمی شده است. آنها نشان داده اند که مشخصاً گذار نئولیبرالیسم از امریکای جنوبی نقش مهمی در این تغییر محتوا داشته است. من بعداً به این نکته باز خواهم گشت. کسانی که با این ترم مورد خطاب قرار می گیرند، غالباً به خود نمی گیرند، اما چند باری شده است که عنان از کف شان در رفته است. نویسندۀ شناخته شده پرو، ماریو وارگاس یوسا، یک بار در این باره گفته است: "در امریکای لاتین ... به من می گویند لیبرال - یا حتی بدتر از این نئولیبرال - تا مرا خنثی یا حتی بی اعتبار کنند." او نشان می دهد که بانیان مفروض نئولیبرالیسم، تمایلی به این که زیر این نام شناخته شوند ندارند، بلکه علاقه دارند لیبرال شناخته شوند. تا مدت‌های طولانی کلمه نئولیبرالیسم یک کلمه "چپ" بود و مثلاً رسانه های عمومی از آن استفاده نمی کردند. تنها سالها بعد از ۲۰۰۰ و خاصه پس از سر باز کردن بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود که این مفهوم مورد پذیرش اجتماعی قرار گرفت، چندان که حتی نیکولاس سرکوزی، رئیس جمهور راست میانه اسبق فرانسه برای خاتمه دادن فراخوان صادر کرد. اینها نمونه هائی سردستی اند که نشان می دهند نئولیبرالیسم فی الواقع دارای یک تاریخ مطمئناً تناقض آمیزی است، که متوجه به آن ما را در درک دقیقتر از نئولیبرالیسم کمک خواهد کرد.

مشخصه سیاسی غیرعادی تاریخ نئولیبرالیسم در وجه سومی از روایت مرسوم از آن نیز بروز می یابد، که نیازمند توضیح است و آن همانا نقش اندیشکده های نامبرده در پیدایش و تکوین نئولیبرالیسم است. در روایت مرسوم از نئولیبرالیسم در کنار نقش انجمن مون پلری، بی بروبرگرد به سهم اندیشکده های نئولیبرال یا محافظه کار نیز ارجاع داده می شود. این اندیشکده های مستقر در واشنگتن و لندن نیز، که غالباً از حمایت مالی مؤسسات سرمایه داری برخوردار بودند، از زمره پیشگامان نئولیبرالیسم معرفی می شوند. یک نمونه مشهور این است که ریگان به هنگام تصدی ریاست جمهوری کتاب حکم رهبری را از بنیاد هریتیج (بنیاد میراث Heritage Foundation) دریافت کرد. این کتاب حاوی ۲۰۰۰ پیشنهاد سیاسی بود و ریگان قول داد که با اشتیاق آنها را به اجرا خواهد گذاشت. فریدمن یکی از سخنرانان مکرر انستیتوی کاتو (Cato Institute) و انستیتوی امریکن انترپرایز (American Enterprise Institute) بود. در روایت مرسوم توضیح داده نمی شود که چرا نقش این اندیشکده ها تا به این پایه اهمیت می یابد و چرا نئولیبرالیسم به این اندیشکده ها اتکا داشته است. این شواهد و قراین مولد این برداشت اند که نئولیبرالیسم پروژه سیاسی ای بوده است که تماماً از پشت سر جامعه، با مداخله منافع غیرشفاف مالی به انجام رسانده شده است. سواى این برداشت، روشن است که نئولیبرالیسم را نمی توان به عنوان یک ایدئولوژی یا جنبش سیاسی به معنای سنتی تلقی کرد که توسط احزاب و نیروهای سیاسی و اکتیویسم سیاسی تغذیه می شود، بلکه از اکتیویسم سیاسی متمایزی تشکیل می شود که در آن اندیشکده ها برای ترجمه ایده های سیاسی نئولیبرالی به سیاست عملی دارای اهمیت حیاتی اند. اما به نظر من اهمیت اندیشکده ها در تاریخ نئولیبرالیسم به دلیل دیگری است. در بخش نتیجه به کوتاهی توضیح خواهم داد چه دلیلی.



**مبارزه برای تشکیل سندیکاهاى مستقل کارگری را تشدید کنیم!**



## آزادی فعالین سندیکایی و فعالیت سندیکایی خواست کارگران است

صادق



دو هفته پس از صدور احکام زندان برای فعالین کارگری هفت تپه و روزنامه نگارانی که به صرف انعکاس اخبار اعتصابات کارگری هریک به ۵ سال زندان محکوم شدند می گذرد.

رئیس دادگستری شوش در میانه این هفته حکم برائت برای ۶ تن از کارگرانی که در اعتصابات هفت تپه نقش داشتند صادر کرده و کارفرما را مکلف به پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده آنها در این مدت نمود.

اسماعیل بخشی و احمد نجاتی از رهبران سندیکای نیشکر و شورای کارکنان مجتمع که دو هفته پیش هر یک به ۵ سال زندان قطعی محکوم شدند، شامل برائت دادگستری شوش نشده‌اند. دلیل عدم برائت این دو فعال کارگری ظاهراً ارجاع پرونده‌های آنها به تهران به خواست مسئولین ارشد امنیتی مربوط است.

این سیاست یک بام و دو هوا دستگاه قضایی در حالی است که آزادی و بازگشت به کار همه کارگران تحت پیگرد جز توافقاتی است که قبلاً بین کارفرمای خصوصی مجتمع که شاکی پرونده کارگران بود، و نمایندگان کارگران به عمل آمده بود.

بهمن جهت عدم آزادی این دو تن نقض توافقات انجام شده از طرف کارفرما و دادگستری است که کارگران نایبستی تن به آن بدهند.

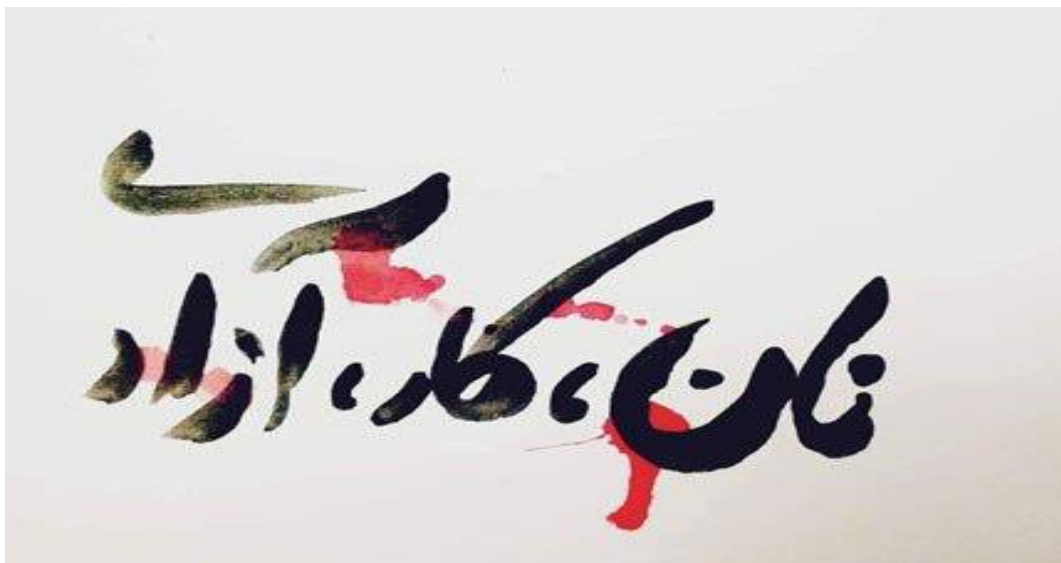
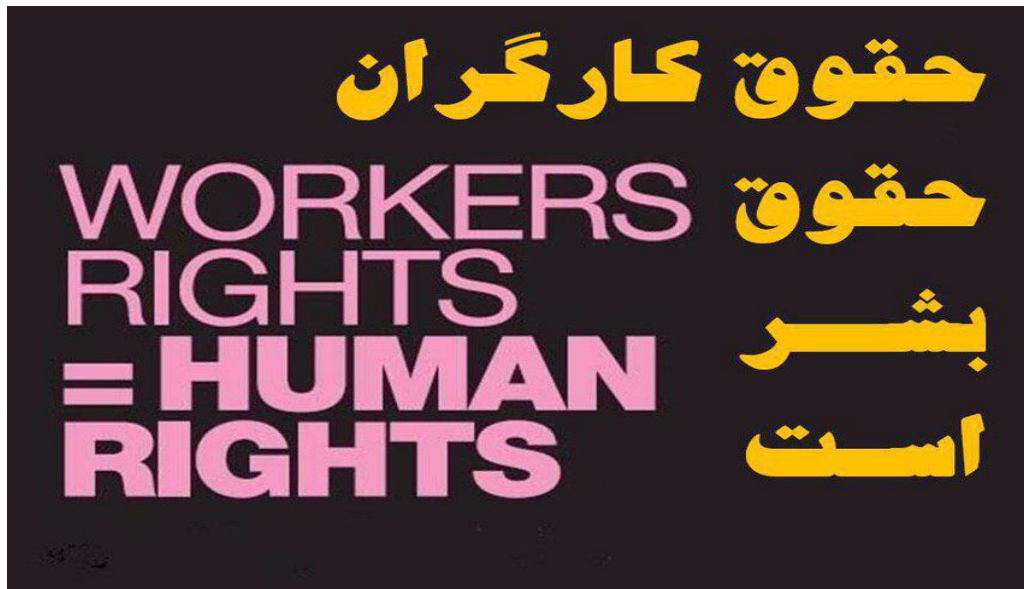
آزادی این ۶ تن در واقع ساختگی بودن اتهاماتی است که کارفرما به کارگران وارد کرده بود. در حکم رئیس دادگستری شوش کارگران از این اتهامات تبرئه و بیگناهی آنها محرز شده است. طبیعتاً حالا که کارگران از اتهامات ناروا نسبت داده شده به آنها تبرئه شده‌اند، می بایست، اولاً حکم برائت شامل همه کارگران می شد و علاوه بر پرداخت دستمزد غرامت به آنها هم داده می شد و ثانیاً کارفرما به دلیل وارد کردن اتهامات ناروا محاکمه و مجازات می شد.

اما نه غرامتی بابت اتهامات ناروا به کارگران تحت پیگرد پرداخت شده و نه کارفرما بخاطر این کار زشت و غیر انسانی که به کارگران وارد نموده مجازات شده است!

عدم پیگرد کارفرما که متهم به اختلاس و زدوبند و تصاحب مجتمع زیر قیمت واقعی با استفاده از رانت دولتی هم هست نشان می دهد که تا چه حد دستگاه قضایی حکومت جانبدار سرمایه داران رانت خوار و علیه کارگران حق طلب که صرفاً به دلیل پیگیری حق و حقوق شان تحت پیگرد و حتا شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند عمل می کند و برای آنان احکام ظالمانه صادر می کند. این رویه دستگاه قضایی و نیروهای سرکوبگر حکومتی محدود به کارگران هفت تپه و احکام ناروایی که علیه آنها قبلاً صادر کرده‌اند نیست. ده ها فعال و رهبر سندیکایی و صدها کارگری را که در سالهای گذشته به همین شیوه به زندان، شلاق و اخراج در بیدادگاه های قوه قضائیه محکوم شده‌اند را نیز شامل می شود. هم اکنون ده ها معلم و فعال کارگری که در این بیدادگاه ها به ناحق به زندان های طولانی مدت محکوم شده‌اند وجود دارند که هنوز تعدادی از آنان در زندان هستند و بعضاً نیز حتا از داشتن مرخصی محروم اند. پیگرد و بازداشت فعالین سندیکایی پایمال سازی حقوق قانونی و اجتماعی کارگران است. کارگران و معلمان و سایر گروه های مزدبگیر خواستار رعایت حقوق سندیکایی و شهروندی شان و به تبع آن آزادی بی قید و شرط همه



کارگران و معلمانی هستند که به دلیل پیگیری حقوق طبیعی اشان محکوم به زندان و محرومیت از حقوق شان شده‌اند من جمله اسماعیل بخشی و محمد خنیفر و روزنامه نگاران حامی آنها هستند. حکومت در حالی که کارگران و فعالین مدنی را از داشتن رسانه و تشکل محروم نموده، انعکاس مطالبات کارگران و مزدگیران در رسانه های خارج از کشور را جرم قلمداد و مستوجب مجازات اعلام نموده است. معنی این رفتار غیر از محروم کردن اکثریت جمعیت کشور از حق بیان نیست. این محرومیت در شرایطی علیه کارگران اعمال می شود که کارفرمایان آزاد گذاشته شده‌اند تا اتحادیه ها و رسانه های خاص خودشان را تشکیل و با کمک آنها حق و حقوق کارگران را لگد مال و استثمار مضاعفی را با چنین محرومیت های بر کارگران و مزدگیران تحمیل کنند.



کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!



## گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید! (1)" - بخش شانزدهم نامارا کاسی ترجمه گودرز



پذیرش نقشه راه - نقش پیشگام زنان در ساخت و ساز صلح و دموکراسی می خوانیم: "صلح پایدار و باثبات در جهان تنها وقتی حاصل ILO در دیپاچه اساسنامه سازمان جهانی کارگران خواهد شد که بر عدالت اجتماعی استوار باشد." برای زنان طبقه کار، عدالت اجتماعی همانا حق زندگی و کار آزاد از خشونت، دریافت دستمزد برابر در مقابل کار برابر، دیدن ستایش، پرداخت دستمزد معوقه در ایام بیماری و حمایت خانواده، می باشد. در زمانی که صلح و مردمسالاری در جهان تهدید می شود، در آن سوی جهان زنان و به ویژه زنان در اتحادیه های صنفی نقش حساسی در تضمین تداوم و پیشبرد حقوق طبقه کار دارند.

از یک سو، گفتگو، مذاکره، سازش و مصالحه در مرکز موفقیت و مؤثر بودن روابط صنعتی و رفع اختلاف قرار دارند، و از سوی دیگر پاسخگویی، فراگیری، شفافیت و شفقت نشانه های تحول و راهبری فمینیستی اند. در بخشهای قبل ما به روندهایی پرداخته ایم که طی آنها اتحادیه ها در تقویت دموکراسی ساختاری می کوشند، در این بخش به روندهایی می پردازیم که اتحادیه ها به صلح آفرینی و عدالت و برابری اجتماعی یاری می رسانند.

ناتالیا لویتسکا عضو اتحادیه KPVO و اتحادیه مستقل معدنکاران اوکرائین می گوید: "اتحادیه به کارگران ستمدیده در جریان درگیریهای نظامی در دونتس در شرق اوکرائین که از سال 2014 تا کنون باعث مرگ هزاران نفر شده، کمکهای زیادی کرده است. متأسفانه ما بطور غیر رسمی یک و نیم میلیون بیخانمان داریم که از محل زندگی خود رانده شده اند. بسیاری از آنها زن هستند و زنان پناهنده مشکلات بسیاری دارند و با مسائل مختلفی دست و پنجه نرم می کنند، از جمله از دست دادن کار و درآمد و مبارزه برای یافتن کار در مکان جدید."

لویتسکا معتقد است که این زنان با "ستم مضاعف" روبرو هستند چرا که زن هستند و همزمان بیخانمان شده اند. اگر آنها مسن هم باشند، این تبعیض باز هم گسترده تر می شود. گرچه ستیزه ها باعث کاهش ارقام عضویت در اتحادیه شده است (هم از نظر تعداد اعضا و هم در مساله درآمدها)، علاوه بر ارائه کمکهای مالی، اتحادیه KVPU به زنان عضو که از این درگیریها صدمه دیده اند کمکهای رایگان حقوقی و قضایی برای دریافت دستمزد معوقه و پیدا کردن کار در مکان جدید عرضه کرده است.

در تونس، اتحادیه های صنفی در تحولات بنیادی کشور به دموکراسی پس از برکناری زین العابدین بن علی در سال 2011 نقشی فعال و اساسی بازی کردند. در سال 2014 اتحادیه عمومی کارگران تونس UGTT بخشی از مربع جامعه مدنی دریافت کننده جایزه صلح نوبل بود، با این تأکید که کمیته نوبل نقش اتحادیه UGTT را در پیشگامی و هدایت روند گفتن اجتماعی ستایش کرده بود، که سازمانهای کارفرمایان، کانون وکلای تونس TBA، و جامعه حقوق بشر تونس LTDH را حول برنامه مشترکی جمع آورده و باعث شد یک دولت آشتی ملی بر سر کار بیاید که روند گذار صلح آمیز به دموکراسی را هدایت نماید.

امروزه تونس مانند ستاره ای در آسمان ترقی حقوق زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا می درخشد، اما نقش اتحادیه های صنفی در این پیروزی تا کجاست؟ صیهم بوسته یکی از مسئولین UGTT معتقد است که "جنبش اتحادیه های صنفی عامل اصلی در حفظ دستاوردهای زنان تونس در زمانی است که مورد تهدید نیروهای محافظه کار و مذهبی بود که بعد از انقلاب 2011 به قدرت رسیدند." وی می افزاید: "از طریق مشارکت با جامعه مدنی، اتحادیه عمومی کارگران تونس از اعتراضات، تظاهرات و بسط نشیمنها تحت رهبری زنان - با تعهد کامل به حفظ و دفاع از حقوق تضمین شده زنان حمایت کرد." بوسته می گوید پس از حمایت از قوانین خدشه ناپذیر حق زنان علیه همه اشکال خشونت علیه زنان (که وی آن را دومین انقلاب در عرصه قانونی می



نامد)، اتحادیه عمومی اکنون از دولت می خواهد که "تمامی معاهدات بین المللی مربوط به زنان، بویژه عهدنامه ILO 183 در حمایت از حقوق زنان در دوران حاملگی" را سریعاً به تصویب برساند.

گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی ITUC-

[https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women\\_in\\_leadership\\_en\\_final.pdf](https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf)



مبارزه مشترک برای آزادی فعالین کارگری، مدنی و سیاسی را سازمان دهیم!





## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



تظاهرات و تحصن همزمان معلمان و بازنشستگان، بیانیه اعتراضی معلمان به بودجه ناچیز آموزش و پرورش، اعتصاب کارگران چادرملو، اعتصاب کارگران پروژه راه سازی بروجرد، تجمع اعتراضی کارگران سیمان در شهرکرد، اعتصاب کارگران شهرداری مریوان، اعتراض پرستاران، صدور حکم براءت برای ۶ تن از فعالان کارگری هفت تپه، مهمترین رویدادهای گزارش شده کارگری هفته بودند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان و تحصن همزمان معلمان در شماری از مدارس شهرهای مختلف در دوم دی ماه که از پیش فراخوان آن توسط تعدادی از تشکلهای صنفی کارگری و بازنشستگان و "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" داده شده بود برگزار گردید. مهمترین مطالبات تشکل های شرکت کننده در این همایش ها علاوه بر اعتراض به تصمیم افزایش ناچیز ۱۵ درصدی به دستمزدها در سال آینده، تقاضای افزایش دستمزدها متناسب با هزینه های واقعی زندگی، بیمه کارآمد، آزادی حق فعالیت سندیکایی و آزادی کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر فعالین سیاسی زندانی بودند.

تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم، معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست، فقر فلاکت، اعتراض، اعتراض، این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت، کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی، دانشجوی زندانی، سیاسی زندانی آزاد باید گردند، مهمترین شعارهای تجمع بازنشستگان بودند.

در این تجمع همچنین نسبت به سرکوب خیزش آبان ماه اعتراض و از مطالبات شرکت کنندگان در آن حمایت شد. هر دو این اعتراضات در شرایطی برگزار شد که عوامل حکومتی و سرکردگان کشتار وحشیانه مردم در تلاش بودند با ایجاد جو رعب و تهدید و شکنجه های وحشیانه هزاران مبارز زندانی و صدور احکام سنگین زندان برای مبارزان عدالتخواه و ضد دیکتاتوری، به زعم خودشان اعتراضات به حق مردم به ستوه آمده از رژیم جنایتکار فاسد و نالایق حاکم را فرو نشانند. امری که رشد اعتراضات در هفته های بعد از کشتار مردم بی گناه، شکست این تلاشها را ثابت کرد. برگزاری هوشمندانه همزمان این اعتراضات حاکی از گرایش فزاینده گروه های مختلف مزدبگیران به حرکات مشترک اعتراضی حول مسائل و مطالبات مشترک است. یقیناً هرچه این گونه تحرکات گسترده تر شوند و بخش های وسیعی تری را در بر بگیرند، میزان دست آوردهای آنها برای همه گروه های زحمتکش بیشتر خواهند شد. بی جهت نیست که از قدیم الایام پیشروان و اندیشمندان جنبش کارگری وحدت و تشکیلات را شرط اساسی رسیدن کارگران به خواسته هایشان و عامل تعیین کننده در تغییر شرایط معیشتی و اجتماعی آنها دانسته اند و برای تحقق آن تلاش نموده اند و در عمل نیز آن را به اثبات رسانده اند.

### بیانیه اعتراضی معلمان نسبت به اختصاص بودجه ناچیز به آموزش و پرورش

اعتراضات معلمان به اشکال دیگر همچنان ادامه دارد، متعاقب تحصن معلمان در مدارس ده ها شهر مختلف، معلمان با صدور بیانیه ای نسبت به ناچیز بودن بودجه آموزش و پرورش و کاهش فاحش بودجه امورات آموزشی اعتراض نمودند.

در یکی از این بیانیه ها که روز چهارشنبه هفته جاری در خیرگزاری ایلنا منتشر شد، عده ای از کنشگران معلمان با آوردن ردیف های بودجه ۹۹ دولت و مقایسه آنها با بودجه سال ۹۸ نسبت به کاهش بودجه بسیاری از موارد آموزشی اعتراض نمودند. اعتراض معلمان تنها شامل مواردی که حقوق صنفی آنها را نادیده گرفته نیست. آنها در بیانیه شان نسبت به عواقب اجتماعی و



آموزشی کسر کردن بودجه نیز اظهار نگرانی نموده و با آن مخالفت کرده‌اند. معلمان در بخشی از بیانیه شان می‌گویند: "با توجه به اینکه هم اکنون سال‌هاست بودجه آموزش و پرورش با کسری شدید روبرو است و این کسری یک چهارم تا یک سوم کل بودجه را شامل می‌شود، آشکار است که بودجه پیشنهادی به هیچ رو کارشناسانه نبوده و آموزش و پرورش در سال آتی همچنان در چنبره معضلات بی‌پایان خود گرفتار خواهد ماند و ناکارآمدی و آسیب‌زا بودنش از همیشه عریان‌تر خواهد شد."

## کاهش بودجه آموزش، افزایش بودجه خصوصی سازی!

به نوشته تهیه کنندگان بیانیه، بودجه برنامه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان، با ۷۶ درصد کاهش از ۱۴۲ میلیارد تومان در سال گذشته به ۳۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان کاهش یافته. بودجه کیفیت‌بخشی به فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و توسعه عدالت آموزشی با بیش از ۴۵ درصد کاهش، از ۲۹۳ میلیارد تومان به حدود ۱۶۰ میلیارد تومان تنزل یافته. افزون بر آن بودجه آموزش پیش از دبستان، حدود ۳۰ درصد، آموزش کودکان استثنایی حدود ۷ درصد، بودجه دانشگاه فرهنگیان، علیرغم افزایش پذیرش دانشجو در سال تحصیلی جاری حدود ۲۶ درصد کاهش یافته‌اند.

در قسمتی از بیانیه گفته شده، "نکته قابل توجه اینکه چنانچه رد پای ارقام کاهش یافته را دقیق‌تر دنبال کنیم، مشاهده می‌کنیم که این ارقام عمدتاً در جاهایی نشسته‌اند که سیاست‌های خصوصی‌سازی دنبال می‌شود. برای مثال می‌توان به افزایش بیش از صددرصدی بودجه فعالیت‌های خرید خدمات و برون سپاری‌ها اشاره کرد که از رقم ۳۶۳ میلیارد تومان در سال گذشته به حدود ۷۵۲ میلیارد تومان رسیده است."

گفتنی است که روحانی بر خلاف معلمان که مخالف خصوصی سازی و کالایی سازی آموزش و عواقب آن هستند، تاکید ویژه‌ای روی خصوصی سازی آموزش داشته و دارد. هم از این روی کاهش بودجه آموزش و پرورش در برنامه بودجه ۹۹ بی ربط با سیاست‌های مسئولین حکومتی در این خصوص نیست و نمیتواند صرفاً به دلیل ضعف کارشناسی بوده باشد. برای این جماعت سود و منافع بخش خصوصی یا به عبارت دقیقتر، سود و منافع خودشان در اولویت قرار دارد و گویا مردم تنها وسیله افزایش سود برای آنها محسوب می‌شوند! خصوصی سازی بویژه در آموزش و پرورش یعنی سپردن موسسات آموزشی به "مکتبی های خودی". بی جهت نیست که آن همه کشاکش در سالهای اخیر بر سر تسلط بر "دانشگاه آزاد میان جناح های حکومتی را نظاره گر بوده‌ایم. دعوا بیش از همه بر سر درآمد و پول سرشاری است که این دانشگاه از طریق سرکیسه کردن خانواده دانشجویان به جیب می زند. حکومت می خواهد مدارس را نیز به بنگاه های کسب سود تبدیل کند و آموزش را با بالا بردن هزینه های آن هرچه بیشتر طبقاتی و تسلط فرزندان سرمایه داران بر امورات سیاسی و اقتصادی کشور را تضمین نماید. قربانیان و بازندگان خصوصی سازی آموزش کارگران و مزدبگیران و سایر محرومین جامعه خواهند بود.

## تداوم و گسترش اعتصابات در موسسات تولیدی و خدماتی

در این هفته در حالی که هنوز کشاکش و بلاتکلیفی بر سر مالکیت واحدهای صنعتی امثال، هیپکو، هفت تپه، آذراب و غیره کماکان ادامه داشت، کارگران کارخانه سیمان در شهر کرد، کارگران پیمانی چادرملو یزد، کارگران راه سازی در بروجرد، در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع دستمزد، ناراضیتی از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پائین بودن سطح دستمزد، مباردت به اعتصاب کردند. کارگران شهرداری مریوان نیز در این هفته بواسطه پرداخت نشدن دستمزدهای شان در ۹ ماه گذشته برای پرداخت معوقات مزدی شان اعتصاب نمودند.

پرستاران نیز که قبل از این بارها به دلیل رعایت نشدن حقوق صنفی و مطالبات معوقه شان به اشکال مختلف اعتراض و تجمع برگزار کرده بودند در این هفته در اعتراض به بی توجهی مسئولین به حقوق صنفی و مطالبات شان، شرکت در مراسم دولتی و فرمایشی روز پرستار را تحریم کردند.

خبرگزاری ایلنا در خصوص این اعتراض نوشت: "خانه پرستار در آستانه روز پرستار طی نامه‌ای به رئیس جمهور نسبت به انحصار سیاست‌گذاری در دست پزشکان در وزارت بهداشت و درمان، عدم اجرای قوانین حمایتی پرستاران و تبعیض در نظام پرداخت به پرستاران اعتراض کرد."

در قسمتی از اعتراض نامه پرستاران خطاب به روحانی، گفته شده، "وقتی پرستاری کشور زیر فشار سنگین کار ناشی از کمبود شدید نیروی انسانی و از طرفی مواجهه مکرر با عوامل بیماری‌زای خطرناک مثل ایدز، هپاتیت، سل و سوانح هوایی و زمینی آنفولانزاهای متنوع خوکی و مرغی جانسان تهدید می‌شود و حتی در محیط کار امنیت جانی ندارد و همواره در معرض خشونت‌های کلامی، رفتاری و فیزیکی، بیماران، همراهان و بعضی پزشکان قرار گرفته و بدون اینکه خود مقصر باشند، مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، آیا جشن معنا پیدا می‌کند؟ زمانی‌که تبعیض‌های همه‌جانبه از اختلاف فاحش و چند ده برابری در پرداخت‌ها تا تبعیض در برخورداری از مزایای قانونی و امکانات گرفته تا تبعیض در جایگاه‌ها، برخوردها، نگاه‌ها و رفتارها در لایه لایه



سطوح مدیریتی جاری است، نمی‌دانیم جشن چه توجیهی دارد؟ وقتی قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری مصوب مجلس شورای اسلامی و علیرغم تکلیف دولت در برنامه ششم دولت و بعد از ۱۳ سال اجرایی نمی‌شود، آیا باید جامعه پرستاری خوشحال باشد؟"

این نامه نشان می‌دهد که موج نارضایتی و اعتراض به سیاستهای نفولیرالی دولت و حکومت حقوق همه گروه‌های مزدبگیر اعم از یدی و فکری را آماج تعرض و دستبرد قرار داده و مبارزه مشترک آنها علیه سیاستهای دولت را اجتناب ناپذیر نموده است. بی دلیل نیست، که کارگر، معلم، پرستار، دانشجو همگی با این سیاست مخرب به مبارزه برخاسته‌اند.

**لغو احکام زندان ۶ تن از فعالین کارگری هفت تبه کامیابی دیگری برای کارگران مقاوم و مبارز**  
در پی اعتراضات و پیگیری‌های مصلحانه کارگران مبارز و مقاوم هفت تبه، مقامات قضایی مجبور به ابطال احکام زندان ۶ تن از کارگران که محکوم به زندان شده بودند گردیدند.

حکم برائت این ۶ کارگر که توسط رئیس دادگستری شهر شوش در این هفته صادر شد توسط خبرگزاری ایلنا منتشر شد.

### متن حکم

"به گزارش ایلنا، رئیس دادگستری شهرستان شوش اظهار کرد: رای پرونده شش نفر از کارگران کشت و صنعت هفت تبه شهرستان شوش که با شکایت این شرکت به اتهام تجمع غیرقانونی و اخلال در نظم عمومی دستگیر شده بودند، پس از رسیدگی در یکی از شعب دادگاه کیفری دادگستری استان، صادر شد.

وی ادامه داد: دادگاه پس از رسیدگی به این پرونده، در خصوص اتهام متهمان مبنی بر تجمع غیرقانونی و اخلال در نظم عمومی، متهمان را از اتهامات وارده تبرئه کرد.

رئیس دادگستری شهرستان شوش افزود: با تدابیر صورت گرفته، حقوق معوقه کارگران پرداخت شده و شرکت با اتمام و بروز رسانی تعمیرات آماده تولید است."

گفتنی است که ظاهراً این حکم شامل اسماعیل بخشی نشده، با این حال تلاش کارگران برای آزادی بخشی همچنان ادامه دارد. معلوم نیست که اگر به گفته رئیس دادگستری شوش کارگران از اتهامات وارده به آنها تبرئه شده‌اند، به چه دلیل آقای بخشی و نجاتی از این قاعده مستثنی شده‌اند و منع عدم پیگرد شامل حال آنها نشده است؟ همه می‌دانند که اساساً هیچ یک از کارگران محکوم به زندان عملی که حتی خلاف قوانین موجود بوده باشد مرتکب نشده‌اند و محکومیت همگی منجمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی از روی اتهامات ناروا صورت گرفته‌اند.

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید**

**در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**🌸 جهت اطلاع خوانندگان عزیز جنگ کارگری 🌸**

**ضمن تهنیت کریسمس و سال نو میلادی به همه انسان‌های آزاده و عدالت‌خواه و به امید اینکه سال ۲۰۲۰ میلادی سال بهتری برای مردم جهان باشد و با آرزوی پیروزی مردم ایران بر رژیم دیکتاتوری سفاک و عدالت ستیز جمهوری اسلامی، به اطلاع می‌رسانیم که بمناسبت تعطیلات سال نو میلادی "جنگ کارگری" در هفته آینده منتشر نمی‌شود.**

